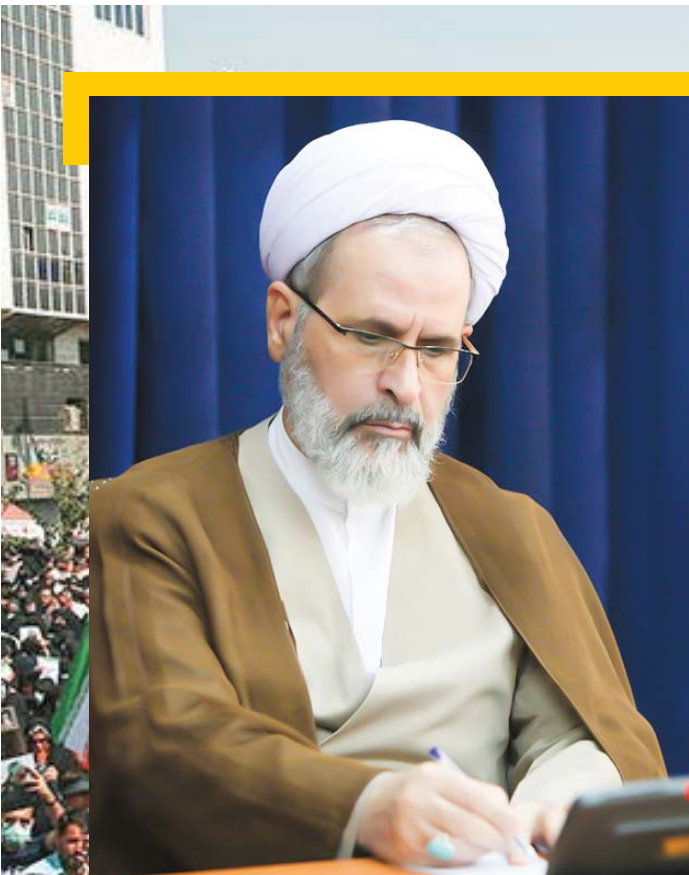


پیرامون اغتشاشات، وقایع اخیر و وضعیت فرهنگی- اجتماعی کشور منتشر گردید

تحلیل نگاشت آیت‌الله اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه کشور



▲ در دوره دوم یا عصر آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله که همزمان با عصر تاریک ستم‌شاهی است که امیدها را در قلب دانشمندان و آزادی‌خواهان کشته و آینده ایران بزرگ را تباه کرده بود، حوزه علمیه قم به پناهگاهی برای مردم ستمدیده، دانشمندان و فرهیختگان فکری و فرهنگی تبدیل گردید و با تلاش این مرجع بزرگ و بذل جهد عالمان دین، کتابخانه‌ها ساخته و ارتباطات بین‌المللی تقویت و بزرگان روشن‌ضمیری به نقاط مختلف دنیا اعزام می‌شوند و در سایه تلاش این مرجع، خط و زبان پارسی از تعرض مصون می‌ماند و ایشان مانع از تکرار حادثه تلخ اضمحلال و نابودی خط و زبان ترکیه، در ایران می‌شوند.

▲ در دوره سوم، حوزه علمیه با زعامت حضرت امام خمینی رحمته‌الله و دیگر مراجع بزرگ و در سایه نوآوری‌های دامنه‌داری که در فقه و اصول، حکمت و تاریخ و فلسفه‌های مضاف رخ داده بود و اندیشه سیاسی متناسبی با آن عصر و زمانه را پدید آورده بود، ساختاری تشکیلاتی به خود گرفت و با شکل‌گیری هسته‌های مردمی، هیأت‌های مذهبی، انجمن‌ها و تشکلات اسلامی، نقش‌آفرینی عالمان دین و ملت ایران وارد عرصه‌های حاکمیتی و مقابله نظام‌مند با استبداد و خفقان داخلی و استعمار و خط‌الحاد خارجی گردید.

در ادامه این مسیر، با ظهور تربیت‌یافتگان مکتب قم، فرزانی چون شهید بهشتی، شهید مطهری و چهار هزار شهید روحانی، ادامه‌دهنده طریق هدایت و شهادت در راه خدا شدند. این دوره را باید عصر نوزایی ایران معاصر دانست. دوره‌ای که با جان‌فشانی علما و جهد لایتوقف حوزه‌های علمیه در کنار مردم جان‌برکف و عاشقان حریم امامت ولایت، هجوم همه‌جانبه نظامی کشورهای مختلف با میدان‌داری رژیم بعثی صدام، شکستی مفتضحانه خورد، جنگ‌های پارتیزانی و ناامنی‌های منطقه‌ای پشت سر گذاشته شد، کودتاهای بسیاری نافرجام ماند، فتنه‌ها و آشوب‌های مختلفی با تدبیر امامین انقلاب و همراهی امت، به سند افتخار ایران اسلامی تبدیل شد. در همه این وقایع، حوزه‌های علمیه، مراجع عظام، اساتید و طلاب علوم دینی پیشگام و پیشرو هستند.

ادامه در صفحه بعد

انسانی و... را به دست دهد و رشد در بیش از یکصد شاخص اساسی، نشانه‌ای از عظمت انقلاب اسلامی، نظام مقدس جمهوری اسلامی و ملت رشید و بزرگ ایران است.

• حوزه و روحانیت در بستر تاریخ

حوزه علمیه، شجره مبارکی است که غرس آن در عصر حضور معصومان علیهم‌السلام اتفاق افتاده است. نام‌های بزرگی مثل شیخ صدوق، شیخ طوسی، ابوعلی سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، شیخ بهایی، غیاث‌الدین کاشانی، علامه حلی، مولامهدی و ملااحمد نراقی، شیخ انصاری، آیت‌الله بروجردی، علامه طباطبایی و امام خمینی رحمته‌الله، برخی از ستارگان پرفرغ فرهنگ و تمدن اسلامی و پرورش‌یافتگان حوزه‌های علمیه هستند و بسیاری از شاخه‌های دانشی بشر معاصر؛ چون فقه، اخلاق، حدیث، تفسیر، قرآن و... اساساً متولد حوزه‌های دینی‌اند و بسیاری دیگر نیز گرچه پیش‌تر وجود داشته‌اند؛ اما با تلاش عالمان دینی بود که به اهداف و کمال خود رسیدند و امروزه تصور هریک از علوم، چون هندسه، نجوم، شعر و ادب، ریاضیات، فلسفه، تاریخ، طب و بهداشت و... با نام یکی از علمای حوزه‌های علمیه تنیده شده است؛ از این‌روست که می‌توان تا حد زیادی هویت انسان ایرانی را برساخته از تاریخ حیات علمی، مبارزات اجتماعی و سیاسی، ارتباطات مردمی و مجاهدت‌های عالمان دین و تربیت دینی حوزه‌های علمیه دانست.

منحنی حوزه علمیه قم نیز، در دوره بیش از هزارسال از پیدایی‌اش، فراز و فرودهای فراوانی داشته است و گاهی آن قدر با شکوه بوده که بیش از هزار عالم دینی، محدث، راوی، فقیه و... را در خود جای می‌داده و گاهی به‌خاطر شرایط زمانی، سیاسی و اجتماعی، فرود پیدا می‌کرد؛ اما هیچ‌گاه خاموش نبوده و قریب به صد سال قبل، توسط حضرت آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله بازتأسیس شد و ادوار مهمی را پشت سر نهاد.

▲ دوره نخست که از فروردین ۱۳۰۱ و با محوریت مرحوم مؤسس که خود سه حوزه فکری سامرا، نجف و کربلا را به‌خوبی درک کرده بود، آغاز می‌شود. شاخصه مهم این دوره که مصادف است با پایان عصر قاجار و آغاز دوره تاریک پهلوی اول، ظهور ابتکارات و ابداعات فقهی و اصولی است و در این دوره است که حرکت‌های اصلاحی حوزه علمیه در ساحت اجتماعی به‌صورت جنبش‌های مجاهدانه مردمی رخ‌نمایی می‌کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَكْزَبَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَلَفَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾ (احزاب/ ۲۲)

• تجلی انقلاب اسلامی

تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی، دیدگاه عموم متفکرین، نویسندگان و فیلسوفان غربی، اذعان به پایان عصر دین و دینداری و یا پایان دین سیاسی و اجتماعی بود که با پیروزی انقلاب اسلامی این موازنه به هم خورد و ایده‌های جدید و تئوری‌های علمی نو، مبتنی بر نقش دین و معنویت در تدبیر امور جامعه رخ‌نمایی کرد.

اما در یک نگاه تمدنی و فراتاریخی، حرکت انبیای الهی و وارثان و پیروان راستین آنها، برخاسته از شناخت خدا و پیام او و از طریق تبیین و تبلیغ معارف الهی و در نهایت اقامه دین در جامعه، تا تجلی تام کلمه حق به پیش خواهد رفت؛ حقیقتی که پس از ظهور اسلام عزیز و نبوت حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به‌عنوان خاتم ادیان الهی نمود و گسترش ویژه‌ای یافت و پیشرفت پیام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مستند به علل و عواملی بود که نخست علم، حکمت و عقلانیت، دوم اخلاق، ادب و نظام اخلاقی و سوم نظام سیاسی الهی مردم‌سالار، جهاد و مقاومت اسلامی در برابر ستم و استکبار، مهم‌ترین مؤلفه‌های آن بودند که باعث درخشش اسلام شدند و بر همین اساس، با برنامه‌ریزی و فکر نو، یک تمدن جدید با سرعت در عالم انتشار یافت؛ به‌گونه‌ای که اکنون یکی از مهمترین گفتمان‌های زنده و تأثیرگذار عالم است.

انقلاب اسلامی، نماد معاصر همان حقیقت واحد فراتاریخی است که به‌اذن خدا در زمان‌های مختلف و به دست ابرمردان تاریخ‌ساز، تجلی می‌نماید. انقلاب اسلامی تنها یک انقلاب اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نبود؛ بلکه انقلابی بود که در اعماق فکر و معرفت بشر تغییرات بنیادین ایجاد کرد و نرم‌افزار تفکر بشر را متغیر ساخت. دستاوردهای ملی و بین‌المللی انقلاب اسلامی در تمامی عرصه‌های مادی و معنوی چنان پرافتخار است که هر انسان منصفی می‌تواند، با اندک توجهی در آموزه‌های اسلام، فهرستی عظیم از خدمات علمی، آموزشی، بهداشتی، درمانی، حقوقی، شهرسازی، نظامی، اقتدار منطقه‌ای، کرامت

